

به نیت بر بنای خود خواهی و یا خدا خواهی



اشیاء و اموری وجود دارند که انسان را سخت شیفته خود می‌کنند، و مطلوب انسان قرار می‌گیرند. در حالیکه نبایستی آنها را هدف قرارداد، قدرت کشش این خواسته‌ها بقدری است که گاهی تمام همت و جهت‌گیری انسان را بخود معطوف میدارند. و در واقع هدف انسان در زندگی‌اش، تحصیل همانها می‌شود. این کششها از این قرارند:

الف: تکاثر - انسان هرآنچه از مال و امکانات و رتبه داشته باشد، مایل است بیشتر کسب کند. اگر این فزون‌طلبی برای استفاده در مسیر الهی‌الله باشد پسندیده است اما معمولاً انسان بیشتر می‌طلبد و بیشتر می‌خواهد تا تفوق خود را بر دیگران

می‌بریم و به تمدن میرسانیم .

اگر انسان سرخود رها شود و کنترلی از خارج یا از درون خود (تقوی) نداشته باشد، میل دارد همه مردم روی زمین سر بر پای او بکنند و بر او سجده برند . عشق به ریاست و فرمانروایی در طبقات پائین مردم هم کاملاً " مشهود است و هرچه بالاتر بروند این دوستی افزایش می‌پذیرد .

در این زمان هم رهبران ایرقدرتها را می‌بینیم که چگونه برای تحکیم موضع خود ملتشان را از حیث صنعتی و نظامی تقویت می‌کنند و سلطه کشور خود را بر سایر ملل ضعیف تحکیم می‌بخشند، و بنام اینکه مایل‌اند ملل ضعیف را کمک کنند و آنها را



آزادگرداندن چه تجاوز کاریها و آدم‌کشیها که نمی‌کنند!
اعتلاجوئی معمولاً " بصورت هدف انسان

تضمین کند و هم اینکه ترس خود را از فقر جبران نماید . و خداوند در این مورد می‌فرماید (۱): شیطان بشما وعده فقر می‌دهد و به بدی امر میکند اما وعده خداوند بخشایش و احسان است .

ب: علو - انسان مایل است خود را قدرت برتر بداند و اگر میدانی بسیند و طرفدارانی پیدا کند میل دارد یگانه قدرت روی زمین باشد . و در طول تاریخ قدرت طلبی باعث جنایات زیادی بر روی زمین شده است . اعتلاجوئی بصورت‌های متعددی نظیر ملیت‌گرایی (نژاد‌زمن مافوق همه) و برتری‌های نژادی (خون عرب ، سیاه و سفید) سلطه جوئی‌های عقیدتی (مارکسیسم ، مائوئیسم) و علم‌گرایی ، متجلی گشته است .

و هر کدام از این تعبیرات یا گرایشها موجب شده‌اند که فردی یا ملتی خود را برتر بداند و بدیگران تاخت و تاز نماید . و آنها را به استضعاف بکشاند . در قرآن کریم از فرعون بنام یک اعتلاجو نام برده شده و می‌فرماید (۲) همانا فرعون در زمین تکبر و گردنکشی آغاز کرد و میان اهل آن سرزمین تفرقه افکند و طایفه‌ای (بنی اسرائیل) را دلیل نمود . . از این اعتلاجویان در تاریخ بسیار پیدا شده‌اند و اکنون هم بر روی زمین هستند و چون فرعون از مردم انتظار بردگی و بندگی دارند و گاه و بیگاه مثل فرعون بر مردمی که آنها را به خواری و ذلت کشانده‌اند منت هم می‌گذارند که شما را بسوی ترقی

خدایا این مردم استکبار می‌ورزند. با توجه به اینگونه رفتارها، نشانه‌های استکبار را می‌یابیم که چیست .

د- حالت خودخواهانه دیگر، منت گذاشتن بر مردم است. خداوند می‌فرماید (۶) کسانی که مالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند و در پی انفاقشان منتی نمی‌نهند و آزاری نمی‌رسانند پادشای اینان نزد خدا خواهد بود، و هیچ ترسی و اندوهی نخواهند داشت .

در روابط اجتماعی ما هرگاه کسی کمک مالی می‌کند یا آموزشی علمی یا فنی میدهد یا مشکلی را حل می‌کند، معمولاً "بر کمک گیرنده منت می‌نهد. و گاه و بیگاه به زبان می‌آورد. و او را با همین یادآوری و یا با صورتهای دیگر آزار میرساند. بخاطر اهمیت این مطلب است که در این رابطه به مقام رسالت در همان آغاز بعثت اعلام شده‌است که (۷) منت مگذار (بر هر که احسان کنی) و (عوض) افزون خواه. پس نتیجه‌ی ما گیریم که خدمت بایستی ایناگرانه باشد، و انتظار مزی در برابر نیکها، نباشد. و پس از انجام خدمت، آنرا بزرگ و قابل اهمیت ندانیم. در این صورت اگر بانیست خالصی برای جلب رضای خداوند باشد مزد آن (جزء الاوفی) نزد خداوند خواهد بود. وقتی هدف از خدمت، تحصیل رضای خداوند باشد، خود بخود نتیجه آن خدمت عاید افراد اجتماع میشود و شخص خدمتگزار بمزدی که دهدها بلکه صددها برابر است میرسد.

درمی‌آید. در حالیکه هدف اسلام ذلیل کردن حالت اعتلاجوئی است. قرآن کریم از زبان حضرت موسی نقل می‌کند که گفت (۳) کاربندگان خدا را به من که رسولی امین هستم واگذارید. و برخداوند اعتلاجوئید که من بر شما حجت آشکار آوردم. چه استکبار: نخستین مخلوق که استکبار کرد، شیطان است. در قرآنست (۴) به فرشتگان فرمان داریم که بر آدم سجده کنند همه سجده کردند مگر شیطان که ابا کرد و تکبر ورزید. و از کافران بود. استکبار شیطان بدین نحو بود که اطاعت امر حق نکرد، و خود را برتر از آدم دانست و براو سجده ننمود. و استدلالی هم کرد و آن مقایسه‌ای بود که میان آفرینش خودش و آدم نمود. و گفت (۵) من بهتر از اویم. مرا از آتش آفریدی و او را از گل تیره، با توجه به این قیاس شیطان معیاری برای استکبار بدست می‌آید، و اینستکه اگر کسی از اجرای امر خدا به دلیل اینکه طاعت موجب کاهش مقام و شأن اوست سرباززند استکبار کرده‌است.

حضرت نوح وقتی مردم را به تقوی دعوت می‌کند، آنان در مقابل، انگشتان خود را در گوش می‌نهند تا سخن رسول خدا را نشنوند، و جامه برسرمی‌کشند، تا نفرت نشان دهند، و بی‌اعتنائی میکنند، و سپس این افراد بحالت فرار به حضرت نوح پشت می‌کنند، بعد از مشاهده‌ی این ماجرا می‌گوید:

خداگشایش دهنده داناست .
 از مجموع این بحث ، نتیجه میشود که
 زایل کردن حالات تکاثر، علو، استکبار و
 منت نهادن بر دیگران و فزون طلبی، هدف
 تربیت اسلام است . تلاش برای زدودن این

و اینگونه هدف گیری یکی از ویژگیهای
 فرهنگ اسلامی است ، و اینگونه عقیده و
 نگرش وقتی میان مؤمنان اشاعه یابد ، زندگی
 آنان در همین دنیا هم قرین امن و امان و
 پربارز ثمرات می شود . و خداوند می فرماید



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

حالات کار ساده‌ای نیست . زیرا در اجتماع
 مردم تن در نمیدهند . مگر اینکه رهبران
 بسیار ، باتقوای قدرتمندی داشته باشند که
 خود آنان مظهر حق و عدل بوده و لیاقت
 زعامت و ولایت را دارا باشند . ذرمدارس

(۸) مثل آنانکه مالشان را در راه خداوند
 انفاق می کنند ، مانند دانهای است که
 (بعد از کشت) از آن هفت خوشه برآید ، و
 در هر خوشه صد دانه باشد . و خداوند
 این مقدار را بر هر که بخواهد می افزاید ، چه

وحوزه‌های علمیه نیز در صورتی این حالات زوده می‌شود که معلمان و مدرسان خودشان این خصائص را در درون نفسشان زوده باشند.

در مدارس زایل کردن حالات تکاثر و علو... به توصیه و حرف زدن تنها میسر نیست بلکه خود معلمان بایستی مهذب و مزکاشده باشند. و چون مهذب بودن امری نسبی است و درجات دارد در تمام دوران معلمی و در تمام طول عمر، معلمان بایستی با حالت استکبار و منت نهادن و... مجاهدت کنند. زیرا رسیدن به این هدف که انسان کارش را برای رضای خدا انجام دهد عین تربیت است و تربیتی است که بتوسط مراقبت‌های طولانی و جنگ بانفس و تذکرات مکرر و مستمر حاصل می‌آید.

هرقدر معلمان از مردمان متدین و مهذب برگزیده شوند جوانان زودتر و بهتر در اثر اسوه قرار دادن آن معلمان پارسا، به رشد معنوی میرسند. و هرقدر خود معلمان در تماس بیشتر با استادان پیشرفته و با کمال باشند بهتر به حالت ایثار و انفاق میرسند. بنابراین به صرف اینکه در برنامه‌ها و در کتابهای درسی راجع به زشتی استکبار و نازیبائی اعتلاجوئی و فزون طلبی حرف زده بشود نمیتوان قانع شد و اکتفا کرد بلکه معلمی استوار و صادق و صاحب یقین لازم است که روح شاگرد در اثر تماس با او اعتلا یابد.

خودخواهی‌های انسان منحصر به همین چهارمطلب ناستوده نیست که بر ذهن و فکر و قلب استیلا پیدامی‌کنند بلکه حالات نفسانی دیگری هم داریم. در زبان فارسی هم تعبیری که نمایشگر بعضی از این حالات است یافت میشود. مثلاً "مقام پرستی را بمنزله نمودی از اعتلاجوئی و پول پرستی را در حکم عنصری از تکاثر، و خودبرتربینی را نمودی از استکبار میتوان شمرد.

انسان اعم از کودک یا پیر مایل است مرکز توجه دیگران باشد و این نیاز که او را تاءیدکنندگاهی منتهی به صدور رفتارهای خلاف اخلاق و تربیت میشود و بایستی آنها را از میان برد یا تبدیل به رفتارهای تربیتی مثبتی کرد. مثلاً "نوجوان برای اینکه مرکز توجه همسالان یا گروه باشد جوکهای مبتذل و رکیک می‌گوید تا دیگران را بخنداند. دلچک بازی در می‌آورد تا برایش کف بزنند. برای زیاد خوردن بی‌آشامیدن مسابقه می‌گذارد. به چند نفر حمله می‌برد و می‌زند تا پهلوانش بنامند. با وسیله نقلیه در کوچه و خیابان بسرعت زیاد و غیر معقول رانندگی می‌کند، لباسهای جلف و غیرعادی می‌پوشد. و اینگونه تمایلات چیزی است که مورد علاقه انسانست اما هدف تربیت اسلامی نمی‌باشند، و برعکس هدف تربیت اسلام از میان بردن این حالات است.

(۱) بقره ۲ — الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمْ الْفَقْرَ وَ
يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يُعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ
فَقُلَّا ...

(۵) ص ۳۸ — قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَفْتَنِي مِنْ نَارٍ
وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ

(۶) بقره ۲ — الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَأْنَفَقُوا مِنَّا وَ
لَا أَدَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَأَخَافُ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يُحْزَنُونَ .

(۲) - قصص ۲۸ — إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلِيٌّ فِي الْأَرْضِ
وَجَعَلْنَا أَهْلَهَا شَيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ .

(۷) - مدثر ۷۴ — وَلَا تَمَنَّيَنَّ تَسْكَرُوا .

(۳) دخان ۴۴ — أَنْ آدُوا إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ
إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ
إِنِّي أَنبِئُكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ .

(۸) - بقره ۲ — مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ
فِي كُلِّ سَنَابِلٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ
يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ .

(۴) بقره ۲ — وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا
لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَ اسْتَكْبَرَ وَ
كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ .

محیطی بوجود آورید که اطفال مارا شیر
بچگانی که همیشه پشت جبهه مقاومت علیه
امریکا و صهیونیسم و سایر دول چپا و لگر
نشسته اند تربیت کنید ...
امام خمینی